

## کالبدشکافی یک حادثه: تخریب حسینیہ در اویش گنابادی با چه هدفی؟

عبدالله شهبازی

از زمان وقوع درگیری قم و تخریب حسینیہ در اویش گنابادی (۲۴ بهمن ۱۳۸۴) به این حادثه به دیده بدبینی نگریستم. شم سیاسی و تجربه تاریخی به من می‌گفت که در اوضاع حساس کنونی منطقه و تهدیدات علیه ایران این بلوا نمی‌تواند طبیعی باشد. ولی چند و چون ماجرا برایم روشن نبود. نمی‌دانستم این فتنه را که برافروخته و تحریکات از جانب که سازماندهی شده است: در اویش گنابادی، مقامات امنیتی قم یا محافل افراطی؟ در روزهای اخیر فرصتی پیش آمد تا با دو تن از مطلعین ساکن قم مصاحبه کنم و ابعاد حادثه را بسنجم. منابع اصلی یادداشت حاضر گفتگوی من با این دو تن است: یکی از فضلا و مجتهدان جوان و مورد وثوق است و دیگری از بنیانگذاران و گردانندگان هیئت فاطمیون قم که در ماجرا دخیل بود. سرانجام، دیشب در وبگاه «فردا» گزارشی از نتیجه بررسی کمیته تفحص در پیرامون حادثه قم دیدم. در [این گزارش](#) آمده است:

کمیته بررسی کننده ماجرای تخریب حسینیہ در اویش گنابادی در قم حمله به این حسینیہ را کاری اشتباه و ناشی از ارائه اطلاعات غلط به مسئولان، علما و مراجع تقلید دانست... کمیته... در گزارشی به مسئولان اعلام کرد که در اویش گنابادی یکی از فرق همراه با اسلام و تشیع و انقلاب بوده و از جانب آنان هیچ خطری متوجه جامعه شیعی نیست. بر اساس این گزارش، بزرگنمایی خطر این گروه باعث تحریک گروه‌هایی از مردم و برخی از علما و مسئولان شد که این امر ماجرای تخریب حسینیہ آنان در قم را به همراه داشت... کمیته بررسی کننده این ماجرا- که در آن افرادی از وزارت اطلاعات، وزارت کشور، نیروی انتظامی و نیروی مقاومت بسیج حضور داشتند- اعلام کرد که اختلاف بر سر مالکیت حسینیہ در اویش گنابادی قم یک امر کوچک شهری بود و می‌توانست به وسیله شهرداری و اوقاف و مالک آن (شریعت) حل و فصل شود ولی با دخالت برخی نهادها و افراد غیرمسئول در این ماجرا یک پدیده محلی به یک ماجرای امنیتی و ملی تبدیل شد که قطعاً کاری ناشایست بود. این امر پس از ماجرای اهانت به ساحت حضرت رسول (ص) در اروپا و انسجامی که در اعتراض به این امر در جهان اسلام ایجاد شد یک امر

تفرقه‌افکنانه محسوب می‌شود و این در حالی است که ایجاد جنگ و تفرقه مذهبی در دستور کار دشمنان اسلام قرار دارد...

گزارش فوق مؤید فرضیات اولیه و نتایج بررسی من بود. در نتیجه مصمم شدم که دیدگاه خود را منتشر کنم. روشن است که تعلق به درویش ندارم که به‌عکس در مقالات [۱] و مصاحبه‌های [۲] خود از نقش کانون‌های استعماری در تقویت یا ایجاد برخی از فرقه‌های درویش، مانند بکتاشیان، گفته‌ام. بهرروی، نتیجه بررسی من به شرح زیر است:

در ماجرای تخریب حسینیه درویش گنابادی در قم سه نیرو مؤثر بودند: هیئت فاطمیون قم، یکی از دستگاه‌های امنیتی کشور در استان قم، درویش طریقت گنابادی. مقتدای معنوی هیئت فاطمیون حجت‌الاسلام و المسلمین شیخ مرتضی آقا تهرانی، از فضایی میان‌سال حوزه علمیه قم، است که در ماه‌های اخیر، پس از صعود دولت دکتر احمدی‌نژاد، شهرت یافته است. او در انتخابات اخیر سفرهایی به برخی نقاط کشور کرد و کوشید تا نظر علما را به سود ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد جلب کند. آقای تهرانی اخیراً به عنوان معلم اخلاق دولت دکتر احمدی‌نژاد شهرت یافت و تصاویری در جلسات هیئت دولت را خبرگزاری‌ها پخش کردند. همین پیشینه کافی بود تا آقای تهرانی را به آماج برخی انتقام‌جویی‌ها و دسیسه‌های پیچیده بدل کند. پیوند هیئت فاطمیون با آقای تهرانی از یکسو و پیوند تهرانی با احمدی‌نژاد به‌گونه‌ای است که هر گونه عملکرد سوء و حرکت افراطی از سوی هیئت فاطمیون را به سادگی می‌توان به آقای تهرانی و از این طریق به دولت احمدی‌نژاد نسبت داد و چنین القاء کرد که حامیان معنوی و روحانی دکتر احمدی‌نژاد گروهی از روحانیون قشری و افراطی هستند که با به قدرت رسیدن دولت جدید فضا را برای یکه‌تازی و افراطی‌گری مساعد یافته‌اند و مانع و رادعی نمی‌شناسند.

هیئت فاطمیون قم از سال‌ها پیش در جستجوی مکانی برای انجام فعالیت‌های مذهبی - هیئتی خود بود ولی به دلیل عدم تمکن مالی موفق نمی‌شد. رئیس هیئت، که از مداحان معروف کشور به شمار می‌رود، به شدت از عدم امکان مالی هیئت و نداشتن مکانی مناسب دلگیر بود.

از سوی دیگر، آقای سید احمد شریعت، شیخ سلسله گنابادی، و برادر وی، دکتر سید حسن شریعت، از مدتی پیش قصد داشتند در جوار ساختمان مطب دکتر شریعت و خانه مسکونی سید احمد شریعت در نبش خیابان ارم (بهترین نقطه قم) حسینیه‌ای احداث کنند. آنان ابتدا به‌طور علنی ساخت و ساز را شروع کردند ولی یکی از دستگاه‌های امنیتی

استان از ادامه کار جلوگیری کرد. در نتیجه، مخفیانه ساخت و ساز را ادامه دادند و از طریق ساختمان شریعت و کوچه پشت احداث بنا را به پایان بردند. دستگاه امنیتی فوق، به‌رغم اطلاع، از عملیات ساخت جلوگیری نکرد و اجازه داد که بنای حسینیه، با صرف صدها میلیون تومان، به اتمام رسد. پس از اتمام و افتتاح ساختمان فوق، دستگاه امنیتی به آقای سید احمد شریعت مراجعه کرد و خواستار تعطیل آن شد. شریعت گفت که حسینیه موقوفه است. پاسخ داده شد که اگر موقوفه است باید اداره اوقاف درباره صلاحیت متولی نظر دهد. این خواست بهانه‌جویی و برخلاف عرف است زیرا بسیاری از مراجع و علما، که نمی‌خواهند موقوفات مربوط به آنان زیر نظر اداره اوقاف باشد، موقوفات را به نام خود ثبت می‌کنند. این‌گونه املاک از نظر ثبتی شخصی است ولی از نظر شرعی موقوفه به‌شمار می‌رود. به‌رروی، کمی بعد دستگاه امنیتی اعلام کرد که متولی حسینیه از نظر اداره اوقاف صلاحیت ندارد و باید ساختمان را به اوقاف تحویل دهد. این در حالی است که آقایان شریعت در قم به تدین شهرت دارند و پسر دکتر شریعت، به نام محمد شریعت، شهید انقلاب یا جنگ تحمیلی است و کوچه‌ای در محله صفائیه (منشعب از کوچه بیگدلی) به نام اوست. به‌علاوه، در اویش سلسله گنابادی در میان طریقت‌های مختلف صوفیه معتدل‌ترین ایشان به‌شمار می‌روند؛ برخلاف برخی از فرقه‌های صوفیه در موضع عناد با جمهوری اسلامی ایران قرار ندارند، از نظر شرعی قطعاً مسلمان شیعه محسوب می‌شوند، و به تبع آن اموال و موقوفات‌شان محترم است و کسی حق تعرض به آن را ندارد. در اویش گنابادی نه تنها به تقلید از مجتهد جامع‌الشرایط باور دارند، و بنا به ادعای خود ایشان بعضاً مقلد آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای می‌باشند، بلکه حتی به احداث مکانی به نام «خانقاه» اعتقاد دارند و مسجد را محل عبادت می‌دانند. در [وبگاه](#) این طریقت چنین می‌خوانیم:

این سلسله چون در ظاهر و وظایف شرعیه هیچگونه اختلافی در اعمال و اعتقادات با علمای اعلام و شیعه حقه اثنی‌عشریه ندارند به حسب ظاهر و لباس و محل عبادت که مسجد است تمایزی نداشته و حتی محل خاصی به نام خانقاه را که موجب دوئیت و تشمت گردد معتقد نیستند چه بزرگ‌ترین علت ضعف و انحطاط اسلام را همین ایجاد فرق مختلف اسلام می‌دانند... (سید هبت الله جذبی اصفهانی، خلاصه اصول تعلیمات و رویه سلسله نعمت‌اللہی سلطانعلیشاهی گنابادی)

دستگاه امنیتی حسینیه شریعت را تعطیل و مهروموم کرد و سپس مسئول دستگاه فوق، که از وضع مالی هیئت فاطمیون و علاقه و تلاش رئیس آن برای داشتن مکان آبرومندی مطلع بود، به وی پیشنهاد کرد که می‌تواند حسینیه آماده و مجهزی را در اختیار هیئت قرار

دهد؛ حسینیه‌ای که به قول مسئول فوق در دست «معاندین نظام» است و نظر مسئولین نظام و مراجع عظام بر خلع‌ید از آنان است. در این زمان حجت‌الاسلام و المسلمین تهرانی در سفر آمریکا بود. دستگاه امنیتی از حسینیه رفع پلمب کرد و در روز عید غدیر خم (۲۸ دی ۱۳۸۴) مراسم افتتاح حسینیه با حضور اعضای هیئت فاطمیون و مسئولین استان در محل فوق برگزار شد. رئیس هیئت می‌گوید که در تماس تلفنی با آقای تهرانی ایشان تنها اجازه داد که اعضای هیئت در مراسم افتتاح حسینیه شرکت کنند نه بیش‌تر و هیئت قصد تصرف و استقرار در حسینیه را نداشت. از عید غدیر حسینیه در اختیار هیئت فاطمیون قرار گرفت.

اندکی بعد آقای تهرانی از آمریکا بازگشت و با مسئول دستگاه امنیتی ملاقات کرد. آقای تهرانی از مقام امنیتی پرسید که چه مدارک کتبی دال بر نظر موافق مسئولین نظام با تصرف حسینیه شریعت در اختیار دارد. مسئول فوق گفت که مدرکی در اختیار ندارد. آقای تهرانی پس از احراز عدم وجود مجوز شرعی و قانونی گفت: «به چه دلیل اموال مسلمین را مصادره می‌کنید، مال مسلم محترم است.» در پی این ملاقات آقای تهرانی دستور خروج هیئت از حسینیه را صادر کرد و در ۵ بهمن ۱۳۸۴ هیئت مکان فوق را تخلیه نمود.

آقای ... (از بنیانگذاران و گردانندگان هیئت فاطمیون) در گفتگو با من دیدگاه آقای تهرانی را چنین بیان کرد:

حاج آقا تهرانی جریان ملاقات با ... [مسئول امنیتی] را برایم گفت. حجت شرعی می‌خواهد. [مسئول امنیتی] می‌گوید که نظر دستگاه متبوعش است. حاج آقا می‌گوید: «نظر دستگاه متبوع وی برای ما حجت شرعی ایجاد نمی‌کند.» [مسئول امنیتی] می‌گوید: «نظر مراجع درباره تخریب حسینیه [در روزنامه‌ها هست. حاج آقا می‌گوید: «روزنامه‌ها برای ما حجت نمی‌شود. از اول هم بچه‌ها اشتباه کردند.» (آن موقع [زمان اشغال] حاج آقا نبودند، در آمریکا بودند.) بعد حاج آقا فرمودند که اینجا را خالی کنید.

با حاج آقا که صحبت کردم، حاج آقا فرمودند که من اصلاً نظرم این نبوده که بروند تو. قبل از تلفن به حاج آقا [در آمریکا]، آقای ... [رئیس هیئت] با من تلفنی صحبت کرد که اینجور و آنجور. من گفتم: فکر نمی‌کنم حاج آقا راضی بشوند. می‌شود مثل جریان حسینیه شیرازی [حسینیه آیت‌الله سید محمد شیرازی] و اصلاً درست نیست برای هیئت. من گفتم که از حاج آقا تهرانی پرس. من چهار روز قبل پیش حاج آقا [تهرانی] بودم، حاج آقا گفت: دیدی چی پشت سر من می‌گویند؟ گفتم: چی می‌گویند؟ گفتند: می‌گویند از اول هم شما گفتید بروند آنجا [حسینیه را اشغال کنند]. در حالی که نظر من این نبوده.

گفتم: حاج آقا متأسفانه می‌سازند. خود حاج آقا گفت که من اصلاً نگفتم بروند. این‌ها می‌خواهند توپ ببندند در زمین ما، والا پیشنهاد اصلی از طرف خود آقای ... [مسئول دستگاه امنیتی] بوده.

با خروج هیئت فاطمیون، درویش در حسینیه مستقر شدند و به اموال باقیمانده از هیئت مطلقاً تعرض نکردند. پس از استقرار درویش، دستگاه امنیتی اعلام کرد که باید مکان را تخلیه کنند. درویش گنابادی از سراسر ایران، به‌ویژه از کردستان و لرستان، برای حمایت از حسینیه وارد قم شدند و به مدت سه روز در خیابان ارم و کوچه منتهی به حسینیه تحصن کردند. دستگاه امنیتی اعلام کرد که تحصن درویش مخل نظم عمومی است و حاضر است با اتوبوس آن‌ها را به خارج از شهر قم هدایت کند. درویش نپذیرفتند. در نتیجه گروهی به نام «مردم» علیه آن‌ها وارد عمل شدند. درویش بر روی پشت‌بام‌های منتهی به حسینیه مستقر شدند و با چوب و سنگ مقابله کردند. نیروی انتظامی نیز وارد عمل شد. تا ساعت ۹:۳۰ بعد از ظهر خیابان ارم مملو از جمعیتی کثیر بود که بیش‌تر آن‌ها برای تماشا گرد آمده بودند. در این حادثه حدود ۱۲۰۰ الی ۲۰۰۰ نفر از درویش دستگیر و زندانی و حدود ۳۰۰ نفر زخمی شدند.

فردای آن روز ساختمان حسینیه و ساختمان مسکونی آقای شریعت و مطب دکتر شریعت با لودر تخریب شد، استاندار قم ماجرا را به عنوان توطئه صوفیه مطرح کرد و نمایشگاهی برگزار شد که در آن عملیات غیراخلاقی برخی از گروه‌ها و فرقه‌های درویش به گنابادی‌ها نسبت داده می‌شد. منابعی که با آنان مصاحبه کردم، هر دو، انتساب برخی مفاسد نسبت داده شده به حسینیه و درویش گنابادی را، که در رسانه‌ها انعکاس یافت، به کلی منکر بوده و آن‌ها را جعلیات مضحکی دانستند که مورد تمسخر مردم قم قرار گرفته است.

به این ترتیب، در پی این شعبده، سلسله درویش گنابادی که، چنان‌که گفتم، در میان فرقه‌های موجود درویش معتدل‌ترین آنان به‌شمار می‌رفت و دارای پیروان کثیری در سراسر کشور، از جمله در لرستان و کردستان، است عملاً به یک معضل مهم امنیتی بدل شد؛ و در پیامد آن از یکسو دولت دکتر احمدی‌نژاد به سرکوب فرقه‌های دینی بی‌آزار متهم شد و از سوی دیگر موج تبلیغاتی گسترده‌ای علیه جمهوری اسلامی به راه افتاد.

یکی از منابع من، که از فضلا و مجتهدان مورد وثوق قم است، گفت:

بسیاری از مردم قم تا پیش از این درگیری اصولاً از وجود درویش گنابادی در شهر قم مطلع نبودند. این حادثه علاوه بر بزرگنمایی طریقت فوق و ایجاد مظلومیت شدید برای آن کاهش شدید محبوبیت دولت احمدی‌نژاد را در شهر قم سبب شد. مردم می‌پرسند: چگونه است که یهودیان و مسیحیان می‌توانند در

ایران دارای ملک و عبادتگاه باشند و دولت از حقوق آنها حمایت می کند ولی به ناگاه گروهی از دراویش معتدل مسلمان و شیعه، که تاکنون برکنار از مسائل سیاسی بودند، به عنوان نیروی معاند معرفی می شوند و حق داشتن عبادتگاه و حتی وقف کردن اموال شخصی از ایشان سلب می شود؟

تشکیل کمیته تحقیق و گزارش صریح و منصفانه آن دال بر محکومیت اقدام جاهلانه، و به گمان من توطئه سنجیده و سازمان یافته، اشغال و تخریب حسینیه شریعت اقدامی جسورانه و قابل ستایش از سوی دولت دکتر احمدی نژاد است که باید با ریشه یابی دقیق ماجرا و شناسایی انگیزه عاملان آن کامل شود. جسورانه از اینرو که گزارش فوق برخلاف جو سنگینی است که در پوشش مقابله با صوفیه و دفاع از حرمت و تقدس شهر قم ایجاد شده بود. در گذشته نیز از این گونه اقدامات خودسرانه و مشکوک رخ می داد، که بعضاً تبعات سنگین بین المللی داشت، ولی مسئولین وقت در قبال آن سکوت و با حادته سازان مماشات می کردند. دکتر احمدی نژاد با تشکیل کمیته فوق نشان داد که اجازه نمی دهد ماجراجویان خودسر یا دست های مشکوک در برهه حساس کنونی ماجراهای دیگری از این دست بیافرینند.

مأخذ: وبگاه عبدالله شهبازی، یادداشت یکشنبه ۲۸ اسفند ۱۳۸۴ / ۱۹ مارس ۲۰۰۶، ساعت ۴ صبح